

بررسی رابطه میان ویژگی‌های کالبدی، معنایی و عملکردی فضای باز مجموعه‌های مسکونی و نقش آن در طراحی

چکیده

امروزه تقریباً کسانی که در مراکز شهری زندگی می‌کنند به‌طور غریزی فقدان چیزی را در زندگی خود احساس می‌کنند. این احساس مستقیماً به‌خاطر ایجاد محیطی مصنوعی است که تا سرحد امکان طبیعت از آن حذف شده است. فضای مطلوب، جاذب و افراد را به درون فضا دعوت می‌کند. رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوندجویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است. در صورت نادیده انگاشتن معیارهای فضای مناسب از دید کاربران، نقش اصلی فضا که نشأت گرفته از حضور افراد در آن است از بین می‌رود. دقت و بازنگری در رابطه انسان و فضا می‌تواند به راهکارهای ارتقای کیفیت این رابطه منجر شود. فضای باز در مجتمع‌های مسکونی بیرونی‌ترین فضای خانه‌ها و مفصل ارتباط با فضای شهری است و به لحاظ کاربری به‌عنوان بخشی بیرونی به حساب می‌آید و به‌نوعی محفل شکل‌گیری فعالیت‌های بازتر و مشترک است. امروز مجموعه فضاهای باز در مجتمع‌های مسکونی به فضاهای بسته و محدود بالکن‌ها محدود شده‌اند. ضرورت این تحقیق به ضعف مبانی نظری در زمینه اقدامات صورت پذیرفته در خصوص متناسب‌سازی محیط برای تعاملات در فضاهای مسکونی در ایران باز می‌گردد که منجر به برخوردی ساده‌اندیشانه با موضوع شده است. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه میان ویژگی‌های کالبدی، معنایی و عملکردی فضای باز مجموعه‌های مسکونی و نقش آن در طراحی است. روش پژوهش پیمایشی و پرسش‌نامه‌محور است و جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه ساکنان ده مجتمع مسکونی منتخب تهران می‌باشد. پس از دسته‌بندی و گزینش نمونه‌های موردی، اقدام به تهیه پرسش‌نامه و جمع‌آوری داده‌ها گردید. طبق نتایج به‌دست آمده سازمان فضایی مناسب می‌تواند به سطح مناسبی از ارتباطات منتج شود. همچنین آمارها نشان می‌دهد عوامل کالبدی بیشترین تأثیر و عوامل عملکردی کم‌ترین تأثیر را در مقایسه با سایر عوامل در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین مجموعه‌های مسکونی داشتند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی در ساختمان‌های مسکونی بلندمرتبه.
۲. افزایش تعامل اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی.

سؤالات پژوهش:

۱. چه مؤلفه‌های محیطی در مجتمع‌های مسکونی امکان تعاملات اجتماعی ساکنین را فراهم می‌کند؟
۲. عوامل تقویت‌کننده تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی چیست؟

کلیدواژه‌ها: مجموعه مسکونی، ویژگی کالبدی، فضای باز، ویژگی معنایی، ویژگی عملکردی.

مقدمه

امروزه با تفکر پایداری محیط در ابعاد مختلف، توجه به ذی‌نفعان محلی و افرادی که بهره‌برداران اصلی از تصمیمات هستند و مشارکت و استفاده از پتانسیل اجتماعات محلی در قالب توسعه‌ای پایدار نه فقط به‌عنوان وسیله بلکه خود به‌عنوان هدف نگریسته می‌شود. افزایش تصاعدی جمعیت شهرها، شکل‌گیری کلان‌شهرها، تنوعات اجتماعی و فرهنگی، بزرگ‌شدن مقیاس مدیریتی و اداره شهر، از خودبیبگانگی، کاهش تعلق خاطر ساکنان، جدایی‌گزینی اکولوژیکی، ازبین‌رفتن یکپارچگی اجتماعی، توجه به شهر و ایجاد انسجام اجتماعی و شکل‌دادن به روند پایداری در مقیاس محلی را ضروری می‌سازد (مجیدی خامنه، کولیوند، ۱۳۹۱). یکی از رسالت‌های طراحان و معماران خلق رابطه‌ی متناسب بین انسان‌ها و کالبد اطرافشان است. برای نیل به این هدف خالقان فضا باید درک صحیحی از رفتار انسان در محیط‌های متفاوت داشته باشند؛ به‌نحوی که پیوند انسان و مکان را قوی‌تر سازند. یکی از دلایل آسیب‌های اجتماعی در محلات مسکونی ما این است که در میان بافت شطرنجی فعلی، بستری برای تجمع و زندگی جمعی انسان‌ها لحاظ نشده و طبیعتاً چنین شرایطی فراموش‌شدن زندگی اجتماعی را تسریع می‌کند. تجمع نیازمند مکث است و مکث محل حرکت سهل و سریع سواره در نظام شطرنجی و معارض با فلسفه وجودی این شبکه است (قاسمی: ۱۳۸۳).

آپارتمان‌نشینی، فضای کم و کوچک برای زندگی، دوری از طبیعت به اجبار و تبدیل خانه‌ها به خوابگاه، استفاده از فضای عمومی را می‌طلبد که نه‌چندان بزرگ باشد که فرد نسبت به آن حس مالکیت و خودی نداشته باشد و نه‌چندان کوچک که تبدیل به حیاط خصوصی گردد و تحقق آن با امکانات امروزی مشکل گردد. خانه‌های امروزی با امکانات و شرایط زندگی موجود، قابلیت پاسخگویی به بسیاری از نیازمندی‌های انسان سنتی ایرانی را ندارند. از طرفی، بریدن از ارزش‌های حاکم بر جوامع سنتی مبتنی بر ارتباط مستحکم با طبیعت و تعاملات اجتماعی در درازمدت منجر به نارضایتی می‌گردد. امروزه تقریباً کسانی که در مراکز شهری زندگی می‌کنند به‌طور غریزی فقدان چیزی را در زندگی خود احساس می‌کنند. این احساس مستقیماً به‌خاطر ایجاد محیطی مصنوعی است که تا سرحد امکان طبیعت از آن حذف شده است.

تحقیقات متعددی در حوزه مسکن شهری به‌وسیله‌ی افراد متعددی با نگرش‌ها و گرایش‌های متفاوتی شکل گرفته است که در حوزه‌های اقتصاد، جامعه‌شناسی شهری، آسیب‌شناسی و معماری هستند. نظریه‌پردازان متفاوتی نیز در حوزه‌های جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و اقتصاد نسبت به علل شکل‌گیری مسکن و روند تحولاتی آن سخن گفته‌اند. به‌طور کلی مطالعات آپارتمان‌نشینی ازجمله پژوهش‌هایی هستند که در برخی از آن‌ها متغیرهای روابط همسایگی، مشکلات فرهنگی و اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است. از حدود دهه ۱۹۷۰ میلادی در نقاطی از دنیا ایده بازگشت به نوع زندگی طبیعی گذشته و لزوم زندگی جمعی انسان‌ها به مرور رشد کرد.

از دیدگاه الکساندر (۱۳۸۷)، رابطه‌ی متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوندجویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است. همچنین وی معتقد است فعالیت‌هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده‌ی فعالیت‌های مردم، با به وجود آوردن زمینه‌های اجتماعی‌شدن و اجتماع‌پذیری به رشد فردی انسان کمک می‌کند. در عین حال، تعامل اجتماعی، نگرش افراد با پیشینه‌های ذهنی و ویژگی‌های متفاوت را به یکدیگر نزدیک می‌کند.

نتیجه‌گیری

طبق بررسی‌های صورت‌گرفته در پژوهش، این‌گونه به‌نظر می‌رسد که سازمان فضایی می‌تواند تعاملات اجتماعی مطلوب را تقویت نماید و همچنین می‌تواند بر ایجاد خلوت مطلوب نیز تأثیر مستقیم داشته باشد. در واقع می‌توان از طریق سازماندهی مناسب فضاها و چیدمان فضایی به سطح مناسبی از ارتباطات و خلوت مطلوب متناسب با فعالیت‌های فضاهای نظر دست‌یافت. در این میان، عوامل کالبدی، معنایی و عملکردی نقش به‌سزایی در میزان تعاملات اجتماعی ساکنین دارند. مؤلفه‌های کالبدی اجتماع‌پذیری فضای عمومی با عواملی همچون نحوه دسترسی، موقعیت قرارگیری، آسایش در شرایط مختلف اقلیمی و امنیت در رابطه است. طبق آمارها و نتایج به‌دست‌آمده از میان عوامل، عوامل کالبدی بیشترین تأثیر و عوامل عملکردی کم‌ترین تأثیر را در مقایسه با سایر عوامل داشتند. از ابعاد کالبد فضای عمومی و قابلیت‌های آن در رابطه با اجتماع‌پذیری فضا می‌توان به موقعیت قرارگیری و دسترسی سواره و پیاده، چگونگی شکل‌گیری و ساماندهی فضاها، فرم، هندسه، نظم، هماهنگی، تشخص، هارمونی، تنوع ابعاد و تناسبات و سایر ابعاد زیبایی‌شناسانه اشاره کرد. توجه به این موارد در طراحی مجتمع‌های مسکونی می‌تواند نتایج مثبتی در بهبود تعاملات اجتماعی ساکنان داشته باشد.

منابع و مأخذ:

- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۵). مبانی نظری و فرایند طراحی شهری. تهران: انتشارات شهیدی.
- (۱۳۸۶). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی، از آرمان تا واقعیت. تهران: نشر شرکت عمران شهرهای جدید.
- (۱۳۸۶). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی، از کمیت تا کیفیت. تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.
- (۱۳۹۱). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی؛ از فضا به مکان. تهران: انتشارات شهیدی.
- پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۸۲). «فضاهای باز در مجموعه‌های مسکونی». نشریه صفه. دوره ۱۳. شماره ۳۶، ۵۱-۳۶.
- پورجعفری، محمدرضا و تقوایی، علی‌اکبر و صادقی، علیرضا. (۱۳۸۸). «خوانش تأثیر ساماندهی محورهای بصری بر ارتقاء کیفیت محیط فضاهای عمومی شهری (نمونه موردی: خیابان آزادی تهران)». دوفصلنامه مدیریت شهری. شماره ۲۴، ۶۵-۸۰.
- ترنسیک، راجر. (۱۳۹۹). یافتن فضای گمشده: نظریه‌های طراحی شهری. ترجمه: مریم محمدی و سیاوش روزبه، تهران: نشر دانشگاه هنر.
- حبیب، فرح. (۱۳۸۶). «رویکرد پایداری در متن شهرسازی». فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۹(۱)، ۱۱۱-۱۲۰.
- دانشپور، سید عبدالهادی و چرخچیان، مریم. (۱۳۸۸). «بررسی مؤلفه‌های طراحی فضاهای عمومی پاسخگو». جغرافیا و برنامه‌ریزی (دانشگاه تبریز)، ۱۴ (۳۰)، ۵۳-۸۶.
- عینی‌فر، علیرضا. (۱۳۹۱). نقش غالب الگوهای عام اولیه در طراحی محله‌های مسکونی معاصر. تهران: انتشارات نشریه‌ی هنرهای زیبا.
- قاسمی، مروارید. (۱۳۸۳). اهل کجا هستیم، هویت‌بخشی به بافت‌های مسکونی. تهران: نشر روزنه.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۳). سیمای شهر. منوچهر مزینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مجیدی خامنه، بتول و کولیوند، حجت‌الله. (۱۳۹۱). «تحلیل ساختار فضایی محله شهری بر مبنای توسعه پایدار اجتماع محور (مطالعه موردی محله دارآباد تهران)». شماره ۱۹، ۷۴-۴۷.

Alexander, Ch., Ishikawa, S. & Silverstein, M. (1977). A Pattern language which Generates Multi-Service center.

Lang, J. (1990). Urban Design: American experience. New York: Van nostrand Reinhold.

Lowson, B. (1991). The language of space. Oxford: Architectural press Newman, Oscar 1996. Creating Defensible Space, Washington, D.C., U.S. Dept. of Housing and Urban Development, Office of Policy Development and Research.

Renne, John Luciano & Porta, Sergio (1990). Linking urban design to sustainability: Formal indicators of social urban sustainability field research in Perth, Western Australia, URBAN DESIGN International 1(1): 51-64